



سخنان بدبو!

آن را «کلاس» بنامد، باید به سلامت روانی اش شك کرد. غیر از این است که دهان با حرف‌های زشت و رکیک آلوده می‌شود؟ در عالم بچگی وقتی حرف زشتی می‌زدیم، بزرگ‌ترها می‌گفتند: «زود برو دهانت را آب بکش!» چرا این‌گونه از اخلاق فاصله گرفته‌ایم و فحش دادن این‌قدر برایمان آسان و ساده شده است که گاه ترانه‌هایمان نیز پر از فحش و ناسزا است. متأسفانه امروزه مفهوم هنجارها و زندگی اخلاقی در جامعه ما دچار تحول شده است. برای بعضی‌ها انگار نه انگار که دشنام دادن گناهی بزرگ، یک ناهنجاری اخلاقی و یک بی‌شرمی و بی‌نزاکتی آشکار است و تبعات منفی زیادی در پی دارد: آسیب و خدشه به روابط دوستانه، بی‌اعتنایی به حقوق دیگران، ایجاد کدورت، دشمنی و خشونت، و بسیاری موارد دیگر. شخص فحاش با این کار به راحتی با آبروی دیگران بازی می‌کند و موجب آزار روحی دیگران می‌شود. به‌علاوه، فحاشی با شأن و منزلت آدمی در تضاد است، چرا که شخص فحاش نه احترامی برای خود قائل است و نه احترام چندانی برای دیگران. ما آدمیم و باید به هنگام خشم مثل آدم اعتراض و خشممان را نشان بدهیم و مثل آدم حرف بزنیم. تنها در این صورت است که فردی مؤدب، با ملاحظه و با کلاس جلوه می‌کنیم و مورد احترام و پذیرش خدا و خلق خدا قرار می‌گیریم.

پیشوند «دش» در زبان فارسی به معنی «بد» است. مثلاً دشمن یعنی انسان بد و دشنام یعنی نام بد. معمولاً کسانی به دشنام متوسل می‌شوند که در موضع ضعف قرار می‌گیرند و می‌کوشند با فحش و ناسزا ضعف خود را از نظر روانی جبران کنند. غافل از اینکه فرد دشنام دهنده قبل از هر کس خود را تخریب می‌کند. دشنام دادن مانند این است که بخواهیم ذغال افروخته‌ای را به دست بگیریم و به طرف دیگران پرتاب کنیم. در این صورت خودمان قبل از همه خواهیم سوخت. خداوند متعال در آیه ۱۰۸ سوره انعام می‌فرماید: «به معبود کسانی که غیر خدا می‌خوانند، دشنام ندهید، مبدا آن‌ها نیز از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند.» با دقت در این آیه مشخص می‌شود، دشنام حتی خطاب به بت‌های مشرکان از طرف پروردگار نپسندیده و بر بی‌نتیجه بودن این کار زشت تأکید شده است. فحاشی و بد دهنی نمونه‌ای از ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتاری است که به شکل‌ها و بهانه‌های گوناگون در جامعه ظهور و بروز می‌یابد؛ از جلب توجه و نشان دادن خود تا عضویت در یک گروه و جمع خاص. از سر لجبازی، تحقیر، توهین و به خشم آوردن دیگران تا به بهانه شوخی و تفریح. در این میان هستند افرادی که به‌عنوان یک وجه تمایز و نوعی کلاس به این کار نگاه می‌کنند که البته این دیگر از آن حرف‌هاست! بد دهنی از هر زاویه‌ای که به آن نگاه شود، نه افتخار است نه کلاس. بد دهنی چیزی مانند بوی بد دهان است و اگر کسی بخواهد به بوی بد دهانش بنازد و

دشنام در روایات

پیامبر (ص) فرموده است: «خداوند بنده با حیای بردبار را دوست دارد و سخن‌گوی بی‌شرم را دوست ندارد.» [بحار، جلد ۹۳، ص]. و نیز فرموده است: «بهشت بر هر دشنام و هرزه‌گوی کم‌حیایی که باک ندارد چه می‌گوید و چه درباره او می‌گویند، حرام است.» [ارشاد القلوب، جلد اول، ص ۱۴۳]. حتی وقتی امام علی (ع) می‌شنود که یارانش در جنگ صفین دارند به دشمنان، دشنام می‌دهند، می‌فرمایند: «من دوست ندارم که شما دشنام دهنده باشید. اما اگر کردارشان را توصیف و حالات آن‌ها را بازگو کنید، به سخن راست نزدیک‌تر است.» [نهج البلاغه، خ ۲۰۶]. می‌بینید که آموزه‌های دینی چگونه بر سلامت و پاکی ارتباط کلامی که بخش جدایی‌ناپذیر و تأثیرگذار زندگی هر روزه ماست، تأکید می‌کنند. در قرآن کریم حرف‌زدن منطقی و استوار آن چنان اصلاتی دارد که به‌عنوان زمینه و راه اصلاح اعمال و بخشش گناهان معرفی شده است [احزاب / ۷۱-۷۰]: «باید از فحش و بد زبانی‌گریزان بود. از آن باید به خدای بزرگ پناه برد. شوخی و جدی آن را ترک کرد و همیشه شایسته، زیبا، منطقی و محترمانه حرف زد.»

